**نشریه و نشریات غلط است**

**شکیبا، حسین**

از آثاره دانشکده ادبیات تبریز مجموعه‏ای است بنام«نشریه دانشکده ادبیات تبریز»و یکی از فصول مرتب آن اختصاص بذکر غلطهای مشهور و اصلاح آنها داده شده است.نگارنده چندی پیش با ابراز مسرت از این اثر سودمند بدانشکده ادبیات شرحی نوشتم و ضمنا یاد آوری کردم که کلمه«نشریه»نیز از غلطهای مشهور است و اگر بنده غلط نگفته‏ام دستور فرمائید پس از این بجای«نشریه»کلمه«نشیره» استعمال شود.

حال لازم میدانم که این موضوع را در مجله وزین یغما مطرح و از ادبا درخواست نمایم که نظر خویش را برای اطلاع دلبستگان ادب مرقوم دارند.

ما و خوانندگان

آقای سید ابراهیمی صالح دبیر محترم ادبیات از رشت مینویسند:

«....از جمله مطالبی که مدتهاست معلمین انتظار انتشار آن را داشتند قواعد دستوری و املائی است که اکنون کم و بیش بهمت سرکار عالی در مجله آموزش و پرورش در مجله یغما درج میشود و این موجب بسی خرسندی است.همچنین اگر ترجمه‏ها و مقالات آقای مینوی بیشتر شود مورد استفاده دانش جویان خواهد بود کما اینکه سال گذشته قسمتی از آنها را که مناسبت یافتم بعنوان انشاء خوب و ترجمه درست در کلاسها خواندم و البته نتیجه مطلوب گرفتم....»

یغما-راجع بجمله آموزش و پرورش بعدا نظر خود را بتفصیل خواهیم گفت. اما در باب مقالات مینوی، درست تشخیص داده‏اید و لازم است دانشجویان منشآت این استاد بزرگوار را-که در کشور خودش مقامش را نمشناسند-بخوانند و راه و رسم درست نوشتن و درست ترجمه کردن را بیاموزند و مطالبش را فرا گیرند که از بسیاری از کتابهائی که میخوانند مفیدتر است.

ما از لطف خاصی که مینوی بکار کنان مجله دارد منتهای استفاده را میبریم چنانکه هیچ شماره از مقالات ایشان خالی نمانده، و برای اینکه توجه این مرد شریف را نسبت بمجله دریابند قسمتی از نامه اخیر ایشان را درج میکنیم که خود مطلبی است دقیق.

اما اینکه مینویسید:«عده‏ای از مشترکین درخواست دارند عکسی از آقای مجتبی مینوی در مجله گراور شو»مامکرر این درخواست را کرده‏ایم اکنون مگر بتقاضای شما توجه فرمایند و بفرستند.اینک بخشی از نامه‏مینوی: «....حالا بواسطه اینکه چشمم ضعیف و احتیاج بعینک پیدا شده است خواندن و نوشتن را بحد اقل که ضروری و لا بدمنه باشد تنزل داده‏ام.در این مملکت از یکسال پیش قانون حفظ صحت عمومی که بتصویب مجلس رسیده بود بمورد اجرا گذاشته شده است و هر کسی ملزم است که هر هفته مقدار کمی برای بیمه اجتماعی و مخارج اجرای قانون مزبور بپردازد و در مقابل هر نوع احتیاج طبی داشته باشد و او گرانتر اعمال جراحی باشد مجانا برآورده خواهد و عینک و دندان عاریه و دوای عموم برعهده دولت.ناگهان گوئی تمام مردم متوجه شدند که هم دندان عاریه میخواهند و هم عینک و هم تمام آفات و امراض در وجود آنها هست.چنان بتمام دکترها و مریضخانه‏ها هجوم آوردند که آنها که واقعا احتیاج مبرم باین نوع امور دارند باید منتظر نوبت بشوند هرچه عدسی برای عینک در مملکت موجود بود و هرچه از کارخانها در این یک ساله بیرون آمده است بمصرف رسیده و حالا سه میلیون نفر منتظر عینک‏اند.ساختن یک جفت عینک شش هفت ماه معطلی دارد یکی دو هفته هم بدوا باید معطل شد تا متخصص چشم مریض را امتحان کند و دستور عینک بدهد.

خلاصه اینکه مقاله نوشتن بنده باید بتأخیر بیفتد....»

آقای امیر منصور اکبر از رشت مینویسند:

واقعه باغ مدیر الملک و قتل سردار افخم از یادداشت‏های مرحوم دانش بدون کم و کاست درست است.آنجا که میگوید:

«بدیدن سپهسالار رفتم منزلش در خانه سپهدار رشتی بود و صاحبخانه از شهر بیرون، عیال سپهدار رشتی که زین بسیار مجلله و از خاندانی عظیم الشأن بود چنان پذیرائی میکرد که مافوق آن بتصور نیمآید ص 198».

توضیح اینکه در آن موقع مرحوم سپهدار از شهر بیرون نبود بلکه در سواد کوه بامر محمد علی شاه محبوس و تحت مراقبت مرحوم اسمعیل خان سواد کوهی بود و حبس او چندین ماه طول کشید و جریان آن مفصل است.وقتی که آقا بالا خان سردار افخم در باغ مدیریه کشته شد مرحوم سپهسالار برشت آمد و از راه بمنزل مرحوم سپهدار وارد شد.تمام سران انقلاب و عوامل تشکیلات در منزل مرحوم سپهدار جمع بودند با وجودی که مرحوم سپهدار در زندان محمد علی میرزا بود مادرم با روی گشاده از هیچگونه فداکاری و پذیرائی در تهیه شام و ناهار و صبحانه و عصرانه وتنقلات سرشب یک عده که متجاوز از پانصد نفر بودند هی کوتاهی نکرد و این پذیرائی‏ها در حدود دو ماه کشید.این مختصر در تکمیل یادداشت مندرجه در ص 198 معروض افتاد.

با تقدیم احترامات فائقه

یغما-از این توضیح و توجه که موجب تذکار نام بانوئی نیک خصال است سپاسگزارم

منصب و ثروت دنیا دام است

حاصل عمر تو تنها نام است

جهد کن تا بمقامی برسی

نیکوئی کن که بنامی برسی

پاسخ ما باهالی محترم خور:

-1-

عین نامه‏ای که با دلایل معقول.درخواست تأسیس کلاس اول متوسطه را فرموده‏اید بوزارت فرهنگ تقدیم داشتم.با نهایت استعداد و استحقاقی که دارید تصور نمیکنم امسال تقاضای شما پذیرفته شود و از این نومیدی پیش شما شرمنده‏ام.

اگر چنانکه معهود بوده امسال دبستان دختران«خور»تشکیل شود و لازم ترهم می‏نماید باید ممنون بود.

-2-

در باب تشکیل درمانگاه، چنانکه در روزنامه‏ها و بوسیله رادیو خبرش پراکنده شده تا کنون دو مرتبه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تصمیم کرده درمانگاه آنجا را بسازد-در مرتبه‏اول با پا در میانی وکلای حزب سابق دموکرات!این درمانگاه بجای دیگر انتقال یافت.مرتبه دوم هم آقای دکتر طبا درمانگاه آنجا را بمحل دیگر داد و حق شما از میان رفت و اکنون این اقدام از خدمات آن جناب شمرده میشود!

امسال شاعر حساس و دوست بزرگوار آقای دکتر کاسمی قول داده است که توجه مخصوص شاهزاده خانم نیکوکار والا حضرت اشرف پهلوی را بایجاد درمانگاه آن ولایت وسیع و دور افتاده و پر جمعیت جلب کند و امید است این پیمان شکسته نشود.